



## نقش تاپی در افزایش تعاملات منطقه‌ای

محمد فهیم صالحی\*

### چکیده

پروژه تاپی<sup>۱</sup> به‌عنوان یک ابتکار بزرگ در زمینه انرژی و ترانزیت، نقش مهمی در افزایش تعاملات منطقه‌ای و تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین کشورهای آسیای میانه و آسیای جنوبی ایفا می‌کند. این پروژه که هدف اصلی آن انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هند است، نه تنها به تأمین انرژی کشورهای ذی‌نفع کمک می‌کند، بلکه بستری برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی فراهم می‌آورد. سئوالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که بهره‌برداری از پروژه تاپی چه تأثیری بر افزایش تعامل میان افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هند خواهد داشت؟ در این تحقیق از روش توصیفی، تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تاپی به‌عنوان یک پروژه بزرگ منطقه‌ای در افزایش همگرایی منطقه‌ای، تقویت روابط دیپلماتیک و کاهش تنش‌های امنیتی در منطقه تأثیرگذار بوده و می‌تواند به‌طور مستقیم در توسعه پایدار و تقویت ثبات سیاسی در آسیای میانه و جنوب آسیا کمک نماید.

**واژگان کلیدی:** تاپی، انرژی، افغانستان، ترکمنستان، پاکستان، هند، گاز طبیعی

---

\* کارمند ریاست نمایندگی وزارت امور خارجه نپروز

## مقدمه

انرژی گاز یک منبع مهم و قابل اهمیت برای صنعت تولید برق و یک بدیل مناسب برای ذغال سنگ برای سوخت است. امروزه رقابت میان کشورهای صنعتی برای دسترسی به منابع گاز افزایش یافته و تقاضا برای گاز روزافزون شده است. بعضی از کشورها مانند هند و پاکستان به دلیل نداشتن ذخایر گازی کافی، رشد روزافزون جمعیت، مواجه شدن ساعت‌ها قطعی برق نیازمند منابع گازی پایدار می‌باشند. بنابراین، در تلاش‌اند که از منابع منطقه‌ای گاز برای حل چالش‌های توسعه داخلی بهره‌برداری کنند. در این راستا، در سال ۲۰۰۳ با حمایت بانک انکشاف آسیایی، افغانستان، ترکمنستان و پاکستان تصمیم گرفت که گاز ترکمنستان را خریداری و از طریق افغانستان وارد پاکستان کنند، و هندوستان در سال ۲۰۰۸ رسماً در این پروژه بزرگ پیوست و این پروژه بنام پروژه «تاپی» مسما گردید و این چهار کشور تصمیم گرفتند که این پروژه اقتصادی را عملی سازند.

بنابراین، کابل همواره تلاش نموده که به منظور توسعه متوازن کشور، زمینه‌های عملی شدن پروژه‌های بزرگ را اولویت سیاست خارجی قرار دهد. به این منظور، سیاست خارجی «اقتصادمحور» امارت اسلامی افغانستان را طرح نموده و بر ضرورت تعدد مسیرهای ترانزیتی، عملی شدن پروژه‌ها و تبدیل کردن افغانستان به کانون تحولات اقتصادی منطقه‌ای تاکید نموده است. یکی از مسیرهایی که به طور جدی مورد توجه قرار گرفته، «پروژه تاپی» است. این پروژه می‌تواند زمینه متعدد تجاری را برای افغانستان فراهم نموده و باعث افزایش میزان تجارت افغانستان با کشورهای منطقه شود.

قابل ذکر است که گام‌های عملی بهره‌برداری از پروژه تاپی توسط افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هندوستان برداشته شده و این سه کشور تلاش نموده تا از طریق افغانستان خط لوله گاز ترکمنستان را به پاکستان و هندوستان انتقال و از آن استفاده نماید. سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که بهره‌برداری از پروژه خط لوله تاپی چه تأثیری بر افزایش تعامل میان افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هندوستان خواهد

داشت؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که رونق این پروژه بزرگ نه تنها در تعامل اقتصادی بین چهار کشور بلکه افزایش همگرایی منطقه‌ای را نیز افزایش خواهد داد. اهمیت انجام چنین تحقیقاتی در این است که فرصت‌های جدید برای توسعه و همگرایی منطقه‌ای را مورد شناسایی قرار داده و در اختیار تصمیم‌گیرندگان کشورها قرار می‌دهد.

برای پاسخ به این پرسش تلاش می‌شود که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتاب‌های معتبر، مقالات علمی و وبسایت‌های معتبر دیتاهای لازم جمع‌آوری شده و سپس با رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. بازه زمانی این تحقیق از زمان شکل‌گیری امارت اسلامی افغانستان و تلاش‌های امارت اسلامی افغانستان برای افزایش میزان تعاملات منطقه‌ای می‌باشد. برای انجام چنین تحقیقاتی ابتدا چارچوب نظری و تاریخچه تاپی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس رویکرد افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هندوستان در مورد این پروژه بررسی می‌شود. در نهایت تاپی و افزایش تعاملات چهارجانبه بررسی خواهد شد. در نهایت با یک جمع‌بندی تحقیق خاتمه خواهد یافت.

## ۱. چارچوب نظری و تاریخچه تاپی

### ۱-۱. چارچوب نظری

منطقه‌گرایی در نظریه‌های غالب در روابط بین‌الملل در نگرش‌های لیبرالیستی و نولیبرالیستی به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. نظریات نکوین‌گرایی<sup>۱</sup> در روابط بین‌الملل نیز سازمان‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی را حاصل نوع نگرش و تصور دولت‌ها در مورد منافع و محیط که در آن حضور دارند، می‌دانند (باختری، ۲۰۱۴: ۶۵). در کنار اصطلاح منطقه‌گرایی، اصطلاح «همگرایی منطقه‌ای» نیز معنایی مترادف را به ذهن تداعی می‌کند. نقطه ثقل مفهوم همگرایی منطقه‌ای، مفهوم «فوق ملی‌گرایی» است که ارنست هاس آن را این‌گونه تعریف کرده است: «نوعی اجتماع یا تجمع که در آن قدرت

<sup>۱</sup> . constructivism

بیش از آن چه به سازمان‌های بین‌المللی ستیزه‌جو داده شود، به مرکز اعطا شده است.» اگر چه این تعریف، در نگاه نخست، تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد، اما هاس مفهوم فوق ملی‌گرایی را با اشاره به سیستم‌های فدرال بازنمایی کرده است. با چنین پیش‌فرضی، هاس به‌عنوان مبدع تئوری همگرایی، آن را پروسه‌ای می‌داند «که به‌وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات و دولت ملی باشد، سوق دهند.» بنابراین همگرایی به‌معنای ترکیب و ادغام اجزا در یک کل است و با یکسان‌سازی سیاست‌های اقتصادی و سیاسی بازیگران در قبال یکدیگر، به‌نوعی آزادسازی تبعیض‌آمیز تجارت منجر می‌گردد (مکیان، ۱۴۱: ۱۳۹۰).

**الف) نظریه همگرایی اقتصادی:** منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای از جمله نام‌آشنا‌ترین مفاهیمی هستند که در نیم قرن اخیر در مباحث روابط بین‌الملل، مورد توجه قرار گرفته‌اند. در شکل‌گیری این مفاهیم، عواملی مؤثر بوده‌اند که می‌توان آن‌ها را در دو وجه نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم که آغاز و امتدادش، متأثر از کشورگشایی‌های ناشی از ناسیونالیسم افراطی مبتنی بر محوریت دولت - ملت بود، در رفتار سیاسی بخشی از بازیگران بین‌المللی نشانه‌های ظهور احساسات مافوق ملی‌گرایی دیده می‌شد. با این همه، نگاه غالب در اکثر کشور جهان سوم که برخی از آن‌ها به تازگی توانسته بودند با رهایی از استعمار وارد پروسه دولت - ملت‌سازی شوند، گرایش به ناسیونالیسم بود (باختری ۶۶: ۱۴۰۲).

**ب) نظریه روش‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی:** جذب سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف به روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد. برای دستیابی به سرمایه‌گذاری خارجی استفاده از روش دریافت وام دولت از کشورها و نهادهای ملی خارجی برای اجرای برنامه‌های خود و روش جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی معمول است. به‌عنوان

مثال کشورهای امریکای لاتین بیشتر از روش اول یعنی روش دریافت وام استفاده می‌نمایند و کشورهای جنوب آسیا جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ترجیح می‌دهند. اما تجربه شکست گروه اول و موفقیت بیشتر کشورهای گروه دوم استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی راه معقول‌تر است. نمونه بارز موفقیت گروه دوم (استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی) کشور قطر است؛ نزدیک به دو دهه از فعالیت‌های توسعه‌ای قطری‌ها در پارس جنوبی می‌گذرد و امروزه این کشور با استفاده از ذخایر میدان مشترک پارس جنوبی و قراردادهای و سرمایه‌گذاری‌های عظیم انجام شده از سوی شرکت‌های جاپانی، کوریای جنوبی و امریکایی به بزرگ‌ترین صادرکننده (گاز طبیعی مایع) تبدیل شده است (باختری، ۱۴۰۲: ۶۷).

## ۲-۱. تاریخچه تاپی

پروژه تاپی که مخفف «Trans-Afghan Pipeline» است، یک خط لوله گاز طبیعی است که از ترکمنستان آغاز می‌شود و از افغانستان عبور کرده و به پاکستان و هندوستان می‌رسد. این پروژه گاز طبیعی از منابع غنی ترکمنستان را به بازارهای انرژی در جنوب آسیا منتقل می‌کند. پروژه تاپی شامل چندین مرحله و تغییرات در طول سال‌ها است. ایده اول ساخت خط لوله تاپی از اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان راهی برای انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به بازارهای بین‌المللی، به‌ویژه به هند و پاکستان مطرح شد.

نخستین بار در سال ۱۹۹۵ توسط شرکت گاز ترکمنستان<sup>۱</sup> و همکاری‌های بین‌المللی، طرح اولیه این پروژه معرفی شد. از سال ۲۰۰۰ به‌بعد، مذاکرات بیشتری میان ترکمنستان، افغانستان و پاکستان درباره مسیر و نحوه اجرایی شدن این پروژه صورت گرفت. در سال ۲۰۰۲ اولین یادداشت تفاهم (MOU) میان ترکمنستان و پاکستان امضا شد. در سال ۲۰۰۸ مذاکرات جدی‌تر برای تأمین منابع مالی و طراحی فنی پروژه آغاز شد. در سال ۲۰۱۰ سه کشور ترکمنستان، پاکستان و افغانستان توافقنامه‌های رسمی‌تری را برای عملی شدن پروژه

<sup>۱</sup> . Turkmen Gas

امضا کردند که شرکت‌های بین‌المللی از جمله «Turkmengaz» و «Indias ONGC» نیز به پروژه پیوستند. در سال ۲۰۱۲ هند هم به این پروژه پیوست و علاقه خود را به خرید گاز طبیعی از ترکمنستان اعلام کرد. به‌رغم توافق‌های متعدد، مشکلات امنیتی و بحران‌های سیاسی در منطقه باعث شد که روند پیشرفت پروژه با کندی مواجه شود. در سال‌های ۲۰۱۷ - ۲۰۲۰، مرحله اول خط لوله از ترکمنستان آغاز شد، و پیشرفت‌های چشمگیری در منطقه‌ای که تحت کنترل امارت اسلامی افغانستان بود، مشاهده شد (Reuters). دولت‌های ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان به این پروژه به‌عنوان یک راهبرد اقتصادی و جیوپولیتیکی نگاه می‌کنند. با توجه به شرایط سیاسی و امنیتی، مراحل نهایی پروژه در حال برنامه‌ریزی است. پروژه تایی نه‌تنها از تأمین انرژی برای کشورهای منطقه اهمیت دارد، بلکه برای افغانستان نیز به‌عنوان یک فرصت اقتصادی برای اشتغال و رشد در نظر گرفته می‌شود. این پروژه می‌تواند به‌عنوان نمادی از همکاری منطقه‌ای برای حل مسایل انرژی و امنیتی در آسیای میانه شناخته شود (BBC:2024).

## ۲. رویکرد کشورهای افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هند به پروژه تایی

### ۱-۲. رویکرد سیاست خارجی افغانستان

همان‌طور که بررسی شد، از زمان طرح انتقال گاز ترکمنستان به بازار مصرف در جنوب آسیا، افغانستان همواره از این طرح استقبال نموده است. امارت اسلامی نیز با طرح رویکرد «سیاست خارجی متوازن» و «اقتصادمحور» بر ضرورت تحقق پروژه‌های اقتصادی با محوریت افغانستان تأکید نموده است. در قالب این رویکرد راه برای روابط حسنه همه کشورهای منطقه با یکدیگر باز شده است (آخندزاده، الف، ۱۴۰۱:۳). این رویکرد باعث شد که اکثر کشورها با حکومت امارت اسلامی روابط دیپلماتیک نزدیک برقرار کنند؛ مقامات باصلاحیت خود را برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی به کابل بفرستند و بالعکس از مقامات امارت اسلامی افغانستان برای سفر به کشورشان دعوت کنند. از سوی دیگر با امضای قراردادهای بزرگ اقتصادی مانند پروژه تایی، رویکرد

سیاست خارجی حکومت امارت اسلامی افغانستان نسبت به پروژه انتقال گاز تاپی تا حد زیادی تحت تأثیر اولویت‌های اقتصادی و نیاز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی قرار گرفته است. رویکرد کلیدی سیاست خارجی امارت اسلامی در این زمینه به شرح زیر است:

۱. حمایت از پروژه‌های اقتصادی: امارت اسلامی افغانستان از پروژه تاپی به‌عنوان پروژه اقتصادی مهم برای بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد منابع درآمد برای کشور خود حمایت کرده است. این پروژه به‌عنوان فرصتی برای تقویت روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای همسایه و منطقه ترکمنستان، پاکستان و هند تلقی می‌شود.

۲. جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی: امارت اسلامی افغانستان به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای بازسازی و توسعه زیرساخت‌های کشور بوده و پروژه‌های بزرگی مانند تاپی یکی از مهم‌ترین راه‌های تحقق این هدف است. در این راستا امارت اسلامی افغانستان تلاش زیادی کرده تا اطمینان دهند که امنیت این پروژه در خاک افغانستان تضمین است.

۲. گسترش روابط دیپلماتیک: امارت اسلامی از پروژه تاپی برای تقویت روابط دیپلماتیک با کشورهای منطقه همچون پاکستان و ترکمنستان استفاده کرده است. این پروژه به‌عنوان ابزار همکاری و تعامل در سیاست خارجی امارت اسلامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در نهایت رویکرد سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان نسبت به پروژه تاپی بیشتر متمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری، تأمین امنیت پروژه، و تقویت روابط اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای همسایه و منطقه است (شرق، ۱۴۰۱: ۱۲).

## ۲-۲. رویکرد سیاست خارجی ترکمنستان

رویکرد سیاست خارجی ترکمنستان به پروژه تاپی براساس اصول بی‌طرفی، توسعه اقتصادی و امنیت منطقه‌ای استوار است. ترکمنستان به‌عنوان کشوری که در سیاست خارجی خود همواره بر اصل بی‌طرفی تأکید داشته است، در پروژه تاپی به دنبال تأمین منافع اقتصادی و تقویت روابط با کشورهای همسایه است؛ بدون این که وارد بلوک‌های

نظامی یا سیاسی خاصی شود. این پروژه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های انرژی در منطقه، هدفش انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هند است. ترکمنستان از این پروژه به‌عنوان فرصتی برای گسترش روابط تجاری و اقتصادی خود استفاده می‌کند و هم‌زمان به‌دنبال تقویت ثبات و امنیت در منطقه است. این پروژه هم‌چنین به ترکمنستان کمک می‌کند تا موقعیت خود را در بازار جهانی انرژی تقویت کرده و به‌عنوان یک صادرکننده بزرگ انرژی در سطح منطقه شناخته شود. در نهایت، رویکرد سیاست خارجی ترکمنستان در قبال پروژه تاپی، نه‌تنها منافع اقتصادی، بلکه حفظ بی‌طرفی و تلاش برای حفظ تعادل در روابط منطقه‌ای و جهانی است (امیدی، ۱۳۹۴: ۶).

### ۲-۳. رویکرد سیاست خارجی پاکستان

رویکرد سیاست خارجی پاکستان به پروژه تاپی مثبت و حمایتی است. پاکستان به‌عنوان یکی از کشورهای اصلی در این پروژه، از آن به‌عنوان یک فرصت برای تأمین منابع انرژی مورد نیاز خود و تقویت روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای همسایه و منطقه استفاده می‌کند. دلایل اصلی حمایت پاکستان از این پروژه عبارتند از:

۱. حل مشکل انرژی پاکستان: پروژه تاپی می‌تواند به‌عنوان یک منبع عمده گاز طبیعی به رفع نیازهای انرژی این کشور کمک کند. پاکستان به‌دنبال تقویت تعامل اقتصادی خود با کشورهای منطقه به‌ویژه ترکمنستان و افغانستان است. این پروژه می‌تواند به توسعه تجارت و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه کمک کند. پروژه تاپی به پاکستان این امکان را می‌دهد که از وابستگی به منابع انرژی ایران یا قطر کاسته و به تنوع انرژی کمک کند.

۲. پاکستان می‌تواند به‌عنوان یک نقطه اتصال مهم در کریدور انرژی آسیای میانه و جنوب آسیا عمل کند. این پروژه به تقویت موقعیت جغرافیایی و اقتصادی پاکستان کمک خواهد کرد. با این حال، برخی چالش‌ها مانند مسایل امنیتی در پاکستان و نگرانی‌های اقتصادی و سیاسی می‌تواند تأثیرگذار بر اجرای این پروژه باشد. به‌طور کلی،

پاکستان از این پروژه به‌عنوان یک فرصت استراتژیک در راستای ارتقای امنیت انرژی و توسعه اقتصادی خود می‌نگرد (افضلی، ۱۳۹۸: ۲۶).

#### ۴-۲. رویکرد سیاست خارجی هندوستان

رویکرد سیاست خارجی هند به پروژه تاپی به‌عنوان یک رویکرد، ترکیبی از فرصت‌های اقتصادی و چالش‌های امنیتی و جیوپولیتیک دیده می‌شود. این پروژه که هدف آن انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به هند از طریق افغانستان و پاکستان است از جهات مختلف برای هند مهم است. هند به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان، نیاز به منابع جدید گاز طبیعی برای تأمین تقاضای روزافزون خود دارد. پروژه تاپی می‌تواند انرژی مورد نیاز هند را ارزان‌تر فراهم نموده و وابستگی آن به واردات انرژی از دیگر منابع را کاهش دهد. هند همواره به دنبال تنوع در منابع انرژی خود است تا از نوسانات قیمت انرژی و بحران‌های احتمالی جلوگیری کند. پروژی تاپی می‌تواند به‌عنوان یکی از گزینه‌های مؤثر در این راستا در نظر گرفته شود. چالش‌های امنیتی و سیاسی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های هند در رابطه با پروژه تاپی است. هند نگرانی‌هایی در باره احتمال تهدیدات امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی در این منطقه به‌خصوص پاکستان دارد که ممکن است تأثیر منفی بر اجرای این پروژه بگذارد (BBC:2024). این پروژه می‌تواند بستری برای همکاری‌های بیشتر در زمینه اقتصادی و انرژی ایجاد کند. در نهایت، رویکرد سیاست خارجی هند به پروژه تاپی با تأکید بر تأمین منافع اقتصادی و انرژی، در کنار حفظ احتیاط‌های امنیتی و دقت در برخورد با چالش‌های جیوپولیتیک منطقه‌ای، شکل می‌گیرد (طلوع نیوز: ۲۰۲۳).

موضوعات مطرح شده در این مبحث نشان می‌دهد که تاپی برای همه کشورهای منطقه مهم بوده و تحقق بهره‌برداری این طرح، منافع همه کشورها را به همراه داشته و انرژی ارزان‌تر در اختیار حوزه صنعت این کشورها قرار خواهد گرفت. به‌علاوه، همکاری در زمینه انرژی می‌تواند فرصت‌های همکاری و همگرایی در سایر حوزه‌ها را نیز فراهم کند.

### ۳. تاپی و افزایش تعاملات چهارجانبه

#### ۳-۱. تاپی و افزایش تعاملات اقتصادی

از نظر اقتصادی، پروژه تاپی برای هر چهار کشور شرکت‌کننده منافع اقتصادی چشمگیر دارد. ترکمنستان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان، از طریق این پروژه می‌تواند گاز خود را به بازارهای بزرگ هند و پاکستان صادر کند. افغانستان به‌عنوان مسیر ترانزیت، از مزایای مالی حق ترانزیت بهره‌مند خواهد شد که این درآمد می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشور کمک کند. پاکستان و هند نیز به‌عنوان مصرف‌کنندگان اصلی گاز، از این منبع پایدار انرژی برای تأمین نیازهای خود در صنایع و انرژی بهره‌مند خواهند شد. تاپی نه‌تنها موجب افزایش تجارت و ارتباطات اقتصادی می‌شود، بلکه می‌تواند وابستگی منطقه را به منابع انرژی خارجی کاهش دهد و مسیر توسعه پایدار را برای هر چهار کشور هموار سازد (وزارت صنعت و تجارت: ۱۴۰۳).

۱. تاپی و فرصت‌های اقتصادی برای ترکمنستان: از لحاظ اقتصادی، پروژه تاپی به ترکمنستان اجازه می‌دهد تا از ذخایر گاز خود بهره‌برداری بیشتری کند و درآمدهای خود را از طریق فروش گاز افزایش دهد. این پروژه هم‌چنین به ترکمنستان امکان می‌دهد تا از وابستگی به یک مسیر صادراتی خاص خلاص شود و بازارهای جدیدی را کشف کند (امیدی، ۱۳۹۴: ۲۱).

۲. تاپی و فرصت‌های اقتصادی برای افغانستان: افغانستان از این پروژه نه‌تنها عنوان منبع درآمد از طریق عواید ترانزیت، بلکه به‌عنوان یک فرصت بزرگ برای توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی استفاده می‌کند. این پروژه می‌تواند به تقویت بخش انرژی افغانستان و بهبود دسترسی به برق و گاز کمک کند (باختری، ۱۴۰۲: ۵۳).

۳. تاپی و فرصت‌های اقتصادی برای پاکستان: پاکستان نیز به‌دلیل نیاز شدید به انرژی، از این پروژه بهره اقتصادی زیادی خواهد برد. با تأمین گاز از طریق پروژه تاپی، پاکستان می‌تواند هزینه‌های انرژی خود را کاهش داده و به توسعه صنعتی کمک کند.

۴. تاپی و فرصت‌های اقتصادی برای هند: هند از طریق پروژه تاپی، به یکی از بزرگ‌ترین منابع انرژی منطقه دسترسی خواهد داشت. این امر باعث می‌شود که هند بتواند هزینه‌های انرژی خود را کاهش دهد و در نتیجه، رشد اقتصادی و توسعه صنعتی کشور را تسریع کند (عزتی، ۱۳۹۳:۹).

### ۲-۳. تاپی و افزایش تعاملات سیاسی

پروژه تاپی به دلیل جغرافیایی خاص خود، بستر همبستگی و همکاری میان چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند را فراهم می‌آورد. این همکاری در شرایطی صورت می‌گیرد که منطقه به شدت نیازمند توسعه تعاملات بین‌المللی و کاهش تنش‌های سیاسی است. تاپی از لحاظ سیاسی به هر چهار کشور این فرصت را می‌دهد تا با همکاری و دیپلماسی، امنیت منطقه‌ای را ارتقا دهند. علاوه بر این، افغانستان به عنوان یک کشور ترانزیتی، نقشی کلیدی در این پروژه دارد و این موقعیت، نه تنها به تقویت جایگاه دیپلماتیک این کشور منجر می‌شود، بلکه به صلح و ثبات طولانی مدت در منطقه نیز کمک می‌کند (وزارت صنعت و تجارت: ۱۴۰۳).

۱. تاپی و فرصت سیاسی برای ترکمنستان: با داشتن یکی از بزرگترین ذخایر گاز طبیعی جهان، از لحاظ سیاسی به دنبال تنوع بخشی به مسیرهای صادراتی خود است. پروژه تاپی برای ترکمنستان فرصتی است تا از وابستگی به بازارهای سنتی خود، به ویژه روسیه، فاصله بگیرد و به بازارهای جنوب آسیا، به ویژه هند، دسترسی یابد. این پروژه ترکمنستان را به عنوان یک بازیگر کلیدی در تأمین انرژی جهانی معرفی می‌کند.

۲. تاپی و فرصت سیاسی برای افغانستان: از منظر سیاسی افغانستان از این پروژه به عنوان ابزاری برای تقویت ثبات داخلی و روابط منطقه‌ای خود استفاده می‌کند. افغانستان از محل عبور خطوط لوله گاز بهره برداری می‌کند و در ضمن، این پروژه می‌تواند به ایجاد تعاملات دیپلماتیک مثبت با همسایگان کمک کند. اهمیت این پروژه برای افغانستان تا حدی است که تکمیل آن به منزله یک موفقیت بزرگ ملی و قدمی در جهت احیای

اقتصادی کشور محسوب می شود.

۳. تاپی و فرصت سیاسی برای پاکستان: این کشور نیز از این پروژه به عنوان ابزاری برای تقویت موقعیت سیاسی خود در منطقه استفاده می کند. همکاری در این پروژه نه تنها به بهبود روابط با افغانستان و هند کمک می کند بلکه پاکستان را به عنوان یک مرکز ترانزیتی و انرژی در منطقه معرفی خواهد کرد (باختری، ۲۰۱۴: ۵۲).

۴. تاپی و فرصت سیاسی برای هند: هند به دلیل وابستگی به واردات انرژی، به شدت به دنبال تنوع بخشی به منابع انرژی خود است. پروژه تاپی برای هند فرصتی است تا روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای همسایه تقویت کند. در عین حال از تأمین پایدار انرژی برای نیازهای داخلی خود اطمینان حاصل کند (رمضانی بونش، ۲۰۱۳: ۱۴۰).

۳-۳. تاپی و افزایش تعاملات امنیتی: پروژه تاپی می تواند تأثیرات قابل توجهی بر روابط امنیتی میان این کشورها داشته باشد. این پروژه که یکی از بزرگ ترین پروژه های زیرساختی در منطقه است، در چندین جنبه بر امنیت منطقه اثر می گذارد:

۱. تقویت همکاری های اقتصادی و امنیتی: با تکمیل پروژه تاپی نیاز به همکاری های نزدیک تر میان کشورهای افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هند در زمینه امنیت و مدیریت منابع ایجاد می شود. کشورهای مذکور برای حفاظت از خط لوله و تأمین امنیت آن نیاز به هماهنگی و همکاری در زمینه های اطلاعاتی و نظامی خواهند داشت.

۲. کاهش تنش ها و تقویت روابط: پروژه تاپی ممکن است به عنوان یک عامل تسهیل کننده برای کاهش تنش ها در روابط بین این چهار کشور عمل کند. از آنجایی که تأمین انرژی و منابع انرژی یکی از اولویت های کشورهای درگیر است، این پروژه می تواند به عنوان یک عامل مشترک برای همکاری و تقویت روابط دیپلماتیک و امنیتی عمل کند.

۳. ایجاد زیرساخت های مشترک: کشورهای درگیر ممکن است نیازمند ایجاد زیرساخت های امنیتی مشترک برای حفاظت از پروژه تاپی باشند. این امر می تواند به

توسعه همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی میان کشورهای مختلف منجر شود و ظرفیت‌های امنیتی آن‌ها را تقویت کند (باختری، ۱۴۰۲: ۱۳).

۴. افزایش نفوذ اقتصادی و جیوپولتیکی ترکمنستان و هند: از آنجایی که ترکمنستان به‌عنوان یک منبع اصلی انرژی و هند به‌عنوان یک مصرف‌کننده بزرگ انرژی به این پروژه علاقه‌مند هستند، این پروژه می‌تواند راویب اقتصاد و امنیتی آن‌ها را تقویت کرده و نفوذ جیوپولتیکی این کشورها را در منطقه افزایش دهد.

در نتیجه پروژه تاپی پتانسیل بالایی برای ایجاد فرصت‌های همکاری‌های امنیتی میان افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هند دارد، اما در عین حال با چالش‌های امنیتی نیز روبرو است که نیاز به مدیریت دقیق و همکاری امنیتی نزدیک میان این کشورها دارد (رمضانی بونش، ۱۴۰۱: ۲).

### نتیجه‌گیری

پروژه تاپی نه تنها به‌عنوان یک طرح انرژی مهم در منطقه، بلکه به‌عنوان عاملی برای تقویت تعاملات منطقه‌ای در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی شناخته می‌شود. پروژه تاپی به‌عنوان نمادی از همگرایی منطقه‌ای، با اتصال منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی چهار کشور افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هند، ظرفیت تبدیل شدن به محرکی برای تقویت تعاملات چندبعدی در آسیای جنوبی و آسیای میانه را دارد. این پروژه از سویی با تأمین نیازهای انرژی هند و پاکستان، کاهش تنش‌های جیوپولتیک و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای افغانستان و ترکمنستان، می‌تواند بستری برای اعتماد سازی و همکاری پایدار فراهم کند. افزایش تعاملات سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان کشورهای عضو، به‌ویژه در بستر اختلافات دیرینه هند و پاکستان، از دیگر دستاوردهای بالقوه پروژه تاپی است. با این وجود، موانعی مانند تنش‌های دوجانبه، وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی و رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای، اجرای آن را پیچیده کرده است. موفقیت پروژه تاپی در گرو توافق بر سر اولویت منافع جمعی بر رقابت‌های فردی،

تقویت مکانیسم‌های اعتمادسازی و حمایت جامعه بین‌الملل است. در صورت تحقق، این پروژه می‌تواند الگویی برای همگرایی در منطقه‌های باشد که همواره شاهد گسل‌های عمیق سیاسی و امنیتی بود است.

## منابع

1. آدمی، علی، (۱۳۸۹)، تأثیر انرژی بر گسترش همکاری‌های ایران با شبه قاره هند (با تأکید بر خط لوله تاپی)، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوم شماره سوم
۲. باختری، امینه، (۱۴۰۲)، پروژه تاپی، کابل، مطبوعه مهر
3. حقی، محمد، (۱۳۹۶)، همگرایی ملت‌ها و واگرایی دولت‌های مسلمان، تهران، چاپخانه
4. امیدی، علی، (۱۳۹۴)، تأثیر سیاست خارجی ترکمنستان بر اقتصاد آن، مطالعات آسیای میانه

## و اققاز

5. افضل‌ی، رسول، (۱۳۹۸)، ارزیابی سیاست خارجی ایران با کشورهای منطقه برنامه چهارم توسعه، انتشارات تهران، چاپ اول
6. تدینی، مهدی، (۱۳۹۰)، بررسی پتانسیل نفت و گاز دریای خزر و پروژه مرتبط با آن، مجله اکتشاف و تولید، شرکت ملی نفت ایران
7. عزتی، دکتر عزت‌الله، (۱۳۹۳)، تاپی (خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند) زمینه‌های ایجاد و موانع پیش رو، جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
8. حافظی، باسط، (۱۴۰۰)، تاپی فرصت‌ها و چالش‌های آن، خبرنامه اطلاعات روز، کابل
9. بی‌نا، (۱۴۰۳)، افتتاحیه کار عملی پروژه تاپی در خاک افغانستان، سایت وزارت صنعت و تجارت امارت اسلامی افغانستان، قابل دسترسی:

<https://moci.gov.af/dr>

10. اهمیت پروژه تاپی برای افغانستان، (۱۴۰۳)، سایت الاماره دری، قابل دسترسی:

<https://twitter.com/AlemarahDari/status/1846823074693632420>

11. تاپی و افزایش تعاملات اقتصادی، امنیتی و سیاسی، بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترسی:

<https://www.bbc.com/persian>

12. رویکرد سیاست خارجی هند به پروژه تاپی، (۱۴۰۲)، سایت CSIS، قابل دسترسی: